

## اخبار و گزارش های کارگری 26 مهرماه 1402

- اعتصاب غذای تر عاطفه رنگریز در زندان شاهرود
- تجمع اعتراضی کارگران شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری نسبت به تعیین سقف حقوق، نحوه کسر غیرقانونی مالیات و محدودیت 30 ساله ای سنوات بازنشستگی علیرغم سنوات خدمت بیشتر و بعضا کسورات بازنشستگی بیش از 40 سال وعدم اجرای کامل ماده قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت برای چهارمین روز متوالی
- شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت:  
ما قاطعانه از اعتراضات همکاران رسمی و ارکان ثالثی خود پشتیبانی میکنیم.
- دانشگاه زنده است
- مسئلهی ترمیم دستمزد همیشه تازه و جدی است
- بازداشت و شکنجه آمیاز فتح الهی، ۱۶ ساله در بازداشتگاه اطلاعات قروه
- بازداشت مسعود زبردستی دبیر دبیرستان رجایی شهر فنوج توسط نیروهای امنیتی
- استمرار سرکوب دانشجویان
- اخراج ندا تولایی استاد دانشگاه الزهرا
- مسئولان زندان اوین برای دومین بار مانع از اعزام رضا شهابی به بیمارستان بدلیل مخالفت این فعال کارگری با پوشیدن لباس زندان شدند
- اسماعیل عبدی به بیمارستان مدنی استان البرز اعزام شد
- تجمع اعتراضی تعدادی از مالکین شهرک خودرو اراک مقابل شورای شهر
- جان باختن یک کارگرمقتی در تهران بر اثر سقوط در چاه بدلیل پاره شدن بند بالابر

\*\*\*\*\*

### \*اعتصاب غذای تر عاطفه رنگریز در زندان شاهرود

عاطفه رنگریز، فعال حقوق زنان محبوس در زندان شاهرود، از صبح امروز چهارشنبه ۲۶ مهرماه، در اعتراض به تداوم بازداشت، پرونده سازی های امنیتی، آزار و اذیت خانواده توسط ضابطین قضایی و امنیتی و ضرب و شتم خود در زندان، اعتصاب غذای تر را آغاز کرده است.

وی که از تاریخ ۱۹ شهریورماه در بازداشت است، علی رغم ابلاغ و تودیع وثیفه ی یک میلیارد تومانی کماکان در زندان شاهرود به سر می برد.

پیشتر مادر عاطفه رنگریز در گفتگو با شبکه شرق، اعلام کرده بود که بازپرس حاضر در دادرسی عمومی و انقلاب شاهرود، علت تداوم بازداشت وی را «عدم ارسال گزارش کار از سوی اداره اطلاعات سمنان» عنوان کرده است.

این کارشکنی ضابطین قضایی و امنیتی، موجب آزارهای بسیاری علیه خانواده او شده است .

از سوی دیگر، روز گذشته عاطفه رنگریز در زندان شاهرود مورد ضرب و شتم قرار گرفته است که به کبودی گردن و دست او نیز منجر شده است.

قرارگیری در وضعیت بلا تکلیفی و کارشکنی‌های عامدانه‌ی اداره اطلاعات سمنان و بازپرس پرونده، همچنین اعتراض علیه وضعیت پرونده و عدم آزادی ولو به قید وثیقه، از دلایل اعلام اعتصاب غذای تر این فعال حقوق زنان بوده است.

منبع: کانال بیدار زنی

**\*تجمع اعتراضی کارگران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری نسبت به تعیین سقف حقوق، نحوه‌ی کسر غیرقانونی مالیات و محدودیت 30 ساله‌ی سنوات بازنشستگی علیرغم سنوات خدمت بیشتر و بعضاً کسورات بازنشستگی بیش از 40 سال و عدم اجرای کامل ماده قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت برای چهارمین روز متوالی**

کارگران شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری برای اعتراض به تعیین سقف حقوق، نحوه‌ی کسر غیرقانونی مالیات و محدودیت 30 ساله‌ی سنوات بازنشستگی علیرغم سنوات خدمت بیشتر و بعضاً کسورات بازنشستگی بیش از 40 سال و عدم اجرای کامل ماده قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت برای چهارمین روز متوالی مقابل ساختمان شرکت تجمع کردند.



### \*شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت:

ما قاطعانه از اعتراضات همکاران رسمی و ارکان ثالثی خود پشتیبانی میکنیم.

امروز بیست و ششم مهر ماه همکاران استخدام رسمی ما در شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری در اعتراض به سقف حقوقهای تعیین شده بار دیگر دست به تجمع زدند.

حذف سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی و برگرداندن کسورات مزاد مالیات خواستهای فوری این همکاران است.

همکاران رسمی ما در سکوهای نفتی هم اعلام کرده اند که تا وقتی پاسخ نگیرند هر دوشنبه تجمع اعتراضی خواهند داشت.

همکاران ارکان ثالث ما نیز در این مدت تجمعاتی داشته اند که مهمترین خواسته آنها خروج پیمانکاران و رفع تبعیض ها و برخورداری از شرایط حقوقی و رفاهی یکسان در برابر کار یکسان با همکاران رسمی است.

ما کارگران پیمانی نفت نیز خواستها و مطالباتی داریم که هنوز جواب نگرفته اند. دوشنبه های اعتراضی روز مناسبی برای اعتراضات همه ما کارگران شاغل در نفت است.

ما قاطعانه از اعتراضات همکاران رسمی و ارکان ثالثی خود پشتیبانی میکنیم.

**\*دانشگاه زنده است**

امروز 26 مهر دانشجویان دانشگاه علم و صنعت با نصب پوسترهای آرمیتا گراوند بر روی دیوارهای دانشگاه خود، یاد او را گرامی داشتند و یادآوری کردند که جامعه پیگیری وضعیت آرمیتا را فراموش نخواهد کرد.

گمان نکنید ما جنایات شما را نمی بینیم. دروغ هایتان را دیگر باور نمی کنیم



#زن  
زندگی  
آزادی

گر آ  
آرمیتا وند

برگرفته از کانال شوراهاى صنفى دانشجویان کشور

## \*مسئله‌ی ترمیم دستمزد همیشه تازه و جدی است

نحوه‌ی افزایش دستمزد، بر اساس یک ماده قانونی است که نحوه‌ی افزایش آن را با چند متغیر تعیین کرده؛ یکی از این متغیرها، متغیر تورم است و دیگری سبد معیشت.

هنگام تعیین دستمزد اگر ملاک تورم سال گذشته بود، تورم براساس آمارهای رسمی بالای ۴۰ یا ۵۰ درصد برآورد شده بود؛ به همین دلیل است که یکی از دلایلی که مدام از طریق رسانه‌های رسمی سعی در القای آن وجود دارد، کاهش نرخ تورم است اما کسی چنین ادعایی را باور نمی‌کند زیرا علاوه بر این که کاهش نرخ تورم در زندگی مردم مشاهده نمی‌شود روند اقتصاد نیز از یک منطق ساده پیروی می‌کند: براساس بودجه‌ها و مصارف کشور و قدرت و حجم پول کاملاً مشخص است که این کاهش نرخ تورم بیشتر یک بلوف زنی است.

چطور ممکن است که در بیست و نهم اسفند هنگام تعیین دستمزد، تورم ۴۰ یا ۵۰ درصد کاملاً نادیده گرفته می‌شود و اکنون که هفت ماه از این مصوبه شرم آور می‌گذرد تنها چیزی که در زندگی مردم به وضوح مشاهده می‌شود گرانی و سختی تامین معاش است. هیچ وقت واقعیت سرسخت و سخت جان به دستکاری و گفتاردرمانی تسلیم نمی‌شود. حکومت فقط قادر است فرودست ترین اعضای این جامعه را به شدت سرکوب کند و گرنه هرگز نخواسته و نتوانسته تورم بالا را کنترل کند و نه قیمت ارز را پایین بیاورد و لذا بند یک ماده ۴۱ قانون کار حتی به فرض منظور کردن مولفه‌ای به نام «تورم انتظاری» رعایت نشد و به قول کارشناسان این خود یکی از دلایل اعتراض به مصوبه مزدیست و در ضمن، استدلالی کفایت‌بخش برای ابطال آن از همان آغاز وجود داشته است.

قانونگذار گفته است که میزان افزایش دستمزد بایستی «با توجه به نرخ تورم» باشد، مضحک این است که مجری قانون خود اولین کسی است که قانونگذار را به تمسخر می‌گیرد و وقتی چنین الزامی رعایت نشده است چرا کسانی مانند رعیتی‌فرد می‌گویند بر اساس قانون شورای عالی کار در سال می‌تواند تنها یک بار در خصوص تعیین دستمزد کارگران تشکیل جلسه دهد این تعیین دستمزد را بر اساس یک توافق سه جانبه بین نمایندگان کارگری کارفرمایی و دولت می‌داند. مضحک اینجاست که در تعیین دستمزد هیچ یک از الزامات قانون خودنوشته خود ایشان هم رعایت نشده است فقط هنگامی که بحث ترمیم و غیرقانونی بودن آن مطرح می‌شود این آقایان خود را قانونمدار می‌دانند.

متغیر دوم در تعیین دستمزد «سبد معیشت» است. کارگران و بازنشستگان خوب می‌دانند که سال‌هاست به مساله سبد معیشت توجه نشده، یا محاسبه متر و معیار درستی نداشته یا نحوه‌ی استخراج داده‌های سبد از کانال‌های علمی و واقعی نبوده است

حتی با در نظر گرفتن همان متر و معیارهای رسمی نهادهای رسمی، عدد سبد معیشت در تهران و شهرستان‌ها بیش از ۲۰ میلیون تومان است، و این عدد بسیار متفاوت از دستمزد مصوب است و در واقع چندین برابر این رقم است؛ سبد معیشت همان جایی است که کارگران هم تورم و هم ناچیز بودن دستمزدها را به درستی درک می‌کنند

دستمزد به زندگی و معاش میلیون‌ها خانواده متعلق به طبقه‌ی کارگر وابسته است؛ هیچ امری در کشور به اندازه‌ی این امر اولویت و فوریت ندارد اما همه چیز در این نظام به وعده‌هایی موكول

می‌شود که قرار است روز محشر عملی شود مانند احاله دادن همسان سازی به پایان برنامه‌ی توسعه‌ی هفتم.

حاکمیت زور و حاکمیت قدرتمندان در بحث دستمزدها جای اراده‌ی جمعی فرودستان را گرفته است و این همان پایمال کردن حقوق طبقات فرودست است، مذاکره‌ی ای در کار نبوده است هر چه بوده زور و زورآزمایی بر سر ضعیف‌ترین طبقه‌ی اجتماعی بوده است؛ آن که قدرت و ثروت دارد یعنی دولت و کارفرما این بازی را با ثقل و سرکوب برده است. بله به راستی که نمایندگان کارگری فقط «زینت‌المجالس» بوده‌اند. اگر کارگران و فرودستان می‌خواهند به حقوق خود دست یابند راهی به جز قدرتمند شدن ندارند.

برگرفته از کانال کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری ایران

#### **\*بازداشت و شکنجه آمی‌ار فتح‌الهی، ۱۶ ساله در بازداشتگاه اطلاعات قروه**

آمی‌ار در پی تماسی تلفنی از سوی یکی، از کارمندان اداره آموزش و پرورش شهر قروه از او خواسته شده تا برای "بررسی وضعیت تحصیلی" به این اداره مراجعه کند.

آمی‌ار فتح‌الهی، نوجوان ۱۶ ساله با احضار فریبکارانه توسط آموزش و پرورش قروه بازداشت و پس از انتقال به بازداشتگاه اداره اطلاعات این شهر مورد شکنجه قرار گرفته است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

#### **\*بازداشت مسعود زبردستی دبیر دبیرستان رجایی شهر فنوج توسط نیروهای امنیتی**

صبح روز گذشته سه‌شنبه ۲۵ مهرماه ۱۴۰۲، مسعود زبردستی دبیر دبیرستان رجایی شهر فنوج و از اساتید سابق دانشگاه علوم دریانوردی چابهار، توسط نیروهای امنیتی در این شهرستان بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شده است.

بر اساس گزارشات منتشر شده، نیروهای امنیتی لباس شخصی با سه دستگاه خودرو به منزل این معلم در شهرستان فنوج یورش برده و او را بازداشت کرده‌اند. از دلایل این بازداشت و مکان نگهداری مسعود زبردستی اطلاعی در دست نیست.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

#### **\*استمرار سرکوب دانشجویان**

ریحانه معروف دبیر سابق شورای صنفی دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشجوی جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، که در رأی بدوی کمیته انضباطی به «دو ترم محرومیت از تحصیل با احتساب در سنوات» محکوم شده بود در کمیته تجدیدنظر حکم او به یک نیمسال محرومیت قطعی از تحصیل کاهش داده شد و پرونده دیگر ایشان با رأی بدوی «یک نیمسال محرومیت از تحصیل»، به «توییح با درج در پرونده» تقلیل پیدا کرد.

اما در کمال تعجب در روزهای اخیر حراست دانشگاه تهران به ایشان اجازه ورود به دانشگاه را نداده است.

اما در آخرین احضار، دانشگاه بابت شرکت در جلسه دفاع پایان‌نامه یک دانشجوی دیگر برای وی کمیته‌ی انضباطی جدیدی با اتهام «شرکت در جلسه غیر قانونی و کشف حجاب» برگزار کرده‌است و در حالی که شرکت در یک جلسه دفاع صرفاً بعنوان یکی از مدعوین رویه‌ای معمول در جامعه دانشگاهی است، در جلسه‌ی شورای بدوی ایشان با لحنی تند و غرض‌ورزانه به اشد مجازات تهدید شده است.

### \*اخراج ندا تولایی استاد دانشگاه الزهرا

خانم ندا تولایی استاد رشته گرافیک دانشگاه الزهرا در اکانت اینستاگرامش خبر از اخراج خود از دانشگاه الزهرا داد.

ایشان چندمین استاد دانشگاه است که در ادامه پروژه پاکسازی دانشگاه از اساتید همراه دانشجویان، چند هفته پس از آغاز ترم جدید، از ادامه حضور در دانشگاه محروم میشود.

ندا تولایی در اینستاگرامش خطاب به همکارش از جمله نوشت: «هفته پیش از دانشگاه با من تماس گرفتند و گفتند به دلیل نوساناتی که در تایید صلاحیت شما از سوی حراست پیش آمده، این ترم را نمی‌توانیم در خدمتان باشیم. ساده ترش می‌شود تو اخراجی»

«این در حالی ست که سه ماه پیش تمام اساتید مجدداً صلاحیتشان مورد بازبینی قرار گرفت. من تایید شدم و این ترم هم دو جلسه از کلاس هایم برگزار شد. سرتان را درد نیاورم. خلاصه چنین شد که احتمالاً باقی ترم کلاس من به شما واگذار میشود. زحمت شد برایتان. می‌دانم که از نصفه کلاس، جای یک مدرس دیگر را گرفتن سخت است. هر چند من تجربه‌اش را نداشته‌ام. بگذریم.»

«همکار محترم، من شما را نمیشناسم، نمیدانم سر کلاس، خودت هستی یا مانند خیلی از ما مجبور به پنهان کردن بخشی از خودت. در نظر بگیر که خیلی از بچه‌ها حتی در خانه هم مجبورند بخشی از خودشان را پنهان کنند، پس اگر صلاح دیدی آزادشان بگذار که دستکم سرکلاس خودشان باشند. بدون ترس از عواقبش.»

«کلاس را به تو می‌سپارم. من تا آخر قرون وسطی را درس دادم، تو اما برایشان از رنسانس بگو.»





neda\_tavallaie



همکار محترم من سلام: neda\_tavallaie

هفته ی پیش از دانشگاه با من تماس گرفتند و گفتند: «به دلیل نوساناتی که در تایید صلاحیت شما از سوی حراست پیش آمده این ترم را نمی توانیم در خدمتتان باشیم» ساده ترش میشود «تو اخراجی» این در حالی ست که سه ماه پیش تمام اساتید مجددا صلاحیتشان مورد بازبینی قرار گرفت. من تایید شدم و این ترم هم دو جلسه از کلاس هایم برگزار شد. سرتان را درد نیاورم. خلاصه چنین شد که احتمالا باقی ترم کلاس من به شما واگذار میشود. زحمت شد برایتان. میدانم که از نصفه ی کلاس، جای یک مدرس دیگر را گرفتن سخت است. هر چند من تجربه اش را نداشته ام. بگذریم

من تا آخر قرون وسطی را گفته ام. از اینکه مسیح، پیامی جز محبت برای مردمش نداشت اما کلیسا هزار سال روزگار اروپا را به نام او سیاه کرد و هر کس حرف جدیدی زد سوزانده شد. برایشان از سازمان های آنکیزیسبون گفتم که چنان به تفتیش عقاید و کندوکاو در خصوصی ترین اعمال شهروندانش پرداخت که هر بذری برای خلق هنر در خاک خفه ماند و چنین بود که تاریخ هنر به نسب ده قرن اینچنین ناچیز ماند. من تا اینجا را درس دادم. تا آخر قرون وسطی... تو برایشان از «رنسانس» بگو. از زایش دوباره میادا فکر کنند تاریکی پایانی ندارد.

تو برایشان از قصه های پشت هر اثر بگو، مثلا بگو که داوید، ناپلئون را به دروغ روی اسب با آن شکوه نقاشی کرد. که جبروتش حفظ شود، وگرنه ناپلئون سوار الاغ بود در آپ. برایشان از قصه های پشت هر هنرمند بگو. مثلا بگو «کنه گلوتیس» پسرش در جنگ کشته شد و هنرش توسط حزب حاکم به عنوان هنر فاسد ممنوع شد و مجبور به استعفا از جایگاهش در هیات علمی دانشگاه شد و همه ی اینها باعث نشد امروز ما در خاور میانه نام او را ندانیم. اما هرگز نام کسی که او را سرکوب کرد باقی نماند. دست کم نه به نیکی...

برایشان از تک تک زنانی بگو که جنگیدند که بالاخره در قرن بیستم نامشان هم پای مردان در تاریخ هنر مطرح شود. میادا فکر کنند زنان همیشه در محاق باقی خواهند ماند.

همکار محترم من. من شما را نمیشناسم، نمیدانم سر کلاس خودت هستی یا مانند خیلی از ما مجبور به پنهان کردن بخشی از خودت. در نظر بگیر که خیلی از بچه ها حتی در خانه هم مجبورند بخشی از خودشان را پنهان کنند پس اگر صلاح دیدی آزادشان بگذار که دست کم سر کلاس خودشان باشند. بدون ترس از عواقبش.

تاریخ من نپاش. من ۸ سال در این دانشگاه درس دادم. و میانگین ارزشیابی ام با ۶۰ کلاس و دو هزار دانشجو با استناد به سایت خود دانشگاه ۱۹/۶۸ است. همین برای من کافی ست.

کلاسم را به تو میسپارم. من تا آخر قرون وسطی را درس دادم، تو اما برایشان از رنسانس بگو

View all 1,251 comments

منبع 2 خبربالا کانال شوراهاى صنفى دانشجویان کشور

### **\*مسئولان زندان اوین برای دومین بار مانع از اعزام رضا شهابی به بیمارستان بدلیل مخالفت این فعال کارگری با پوشیدن لباس زندان شدند**

روز گذشته، ۲۵ مهر ماه، طبق نامه کمیسیون پزشکی رضا شهابی قرار بود به بیمارستان رسول اکرم اعزام شود، اما اجازه اعزام به بیمارستان از جانب مسئولین زندان داده نشد.

از آنجا که دکتر متخصص جراح ستون فقرات در آخرین ویزیت به کمیسیون پزشکی نوشته بود که به دلیل بیرون زدگی مهره های سی ۵ و ۴ و تنگی کانال نخاع، شهابی نیازمند جراحی فوری می باشد، کمیسیون پزشکی برای تکمیل فرایند جراحی به بهداری زندان نامه نوشت و در آن توضیح داده شده بود که برای تکمیل پرونده پزشکی جهت جراحی نیازمند نظر پزشک اورولوژی و قلب در بیمارستان رسول اکرم می باشند. لذا خواسته شده بود که هر چه سریع تر رضا شهابی را به بیمارستان اعزام و بعد از ویزیت نظر پزشک را به کمیسیون پزشکی اعلام نمایند.

مناسفانه به دلیل بیرون زدگی دیسک های سی ۵ و ۴ وضعیت رضا شهابی با گذشت زمان و با توجه به شرایط و محدودیتهای زندان رو به وخامت گذاشته است. ضمن درد شدید در گردن و کتف و بازوها هر دو دست ایشان ضعیف شده است و سریع خسته و به خواب میرود و کزکز شدید دارد تا جایی که نمی تواند حتی در موقع شستشوی لباسها به آنها چنگ بزند.

شهابی همچنین هنگام خواب درد شدیدی در گردن و کتف چپ و راست دارد و مجبور است دو قرص گاباپنتین را یکجا مصرف کند که بتواند بخوابد.

همانطور که در اطلاعیه های پیشین توضیح دادیم پوشیدن لباس زندان اجباری نیست. با این اوصاف مسئولان زندان عامدانه مانع از اعزام شهابی به بیمارستان میشوند. دیروز به وی گفتند که دستور از فرزادی آمده که باید حتما لباس زندان بپوشد. شهابی به آنها توضیح داده که تا حالا ایشان لباس زندان نپوشیده و نخواهد پوشید و هر اتفاقی برای او بیفتد قوه قضایی و زندانبانان و در راس آن فرزادی رئیس بازداشتگاه زندان اوین باید پاسخ گو باشند.

اجبار به پوشیدن لباس زندان در هنگام اعزام به بیمارستان ناقض حداقل استانداردها و مقررات برای رفتار با زندانیان می باشد. بطور مشخص بنا به «قوانین حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای رفتار با زندانیان»، معروف به «قوانین نلسون ماندلا» هر بار که زندانی برای منظوری مجاز به بیرون از زندان برده میشود، باید به او اجازه داده شود لباس های متعلق به خود یا لباس هایی را که جلب توجه نمیکند بپوشد.

اختلاس گرها و خودی هایی که در موسسات دولتی و خصوصی اموال مردم را غارت کردند و در حال حاضر در زندان هستند با احترام کامل محافظت میشوند و برای درمان با کت و شلوار و کفش ویرنی اعزام می شوند. این افراد در زندان بیشتر امنیت دارند چرا که در بیرون از زندان از طرف مالباخته گان در امان نخواهند بود.

اما کارگران و دیگر فعالین مدنی زندانی و زندانیان سیاسی که به خاطر اعتراض به وضعیت موجود در بازداشت به سر میبرند و خواستار یک زندگی انسانی و شرافتمدانه برای عموم مزدبگیران و فرودستان هستند بدون هیچ ارتکاب جرمی باید در زندان باشند و از حداقل های حقوق انسانی نیز محروم گردند .

بی عدالتی و تبعیضاتی که در سراسر کشور می بینیم در زندان نیز بیداد می کند. اونی که پول و امکانات دارد و به دم و دستگاه امنیتی و قضایی دستی دارد شرایط برایش خوب است، به موقع برای درمان به بیمارستان اعزام میشود، و حتی برای امورات شخصی و کاری بدون لباس زندان به بیرون اعزام میشود. اما به فعالین کارگری زندانی، همچون اعضای زندانی سندیکا شهابی، سعیدی و رضوی، حتی یک روز مرخصی پزشکی هم داده نمی شود .

رضا شهابی، عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، باید هر چه زودتر عمل کند و در محیطی خازج از زندان دوران نقاهت خود را بگذراند .

کارگر زندانی آزاد باید گردد

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۶ مهر ۱۴۰۲

**\*اسماعیل عبدی به بیمارستان مدنی استان البرز اعزام شد**

در پی افزایش دردهای مزمن و خوابرفتگی هردو دست اسماعیل عبدی، امروز ۲۶ مهر ۱۴۰۲ به بیمارستان مدنی کرج اعزام و عمل سی تی اسکن بر روی دست های او انجام شد. به دلیل عدم حضور پزشک متخصص نتیجه آن نا مشخص است .

لازم به توضیح است که درد دست های اسماعیل از حدود یک سال پیش، آغاز شده اما با وجود چند بار اعزام به بیمارستان، همچنان علت آن مشخص نیست. به نظر می رسد این دردها ناشی از فشارهای عصبی سال ها زندان باشد. طبق نظر پزشک ارتوپد، وجود درد در دستان اسماعیل عبدی محرز اما منشأ آن هنوز تشخیص داده نشده است .

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

**\*تجمع اعتراضی تعدادی از مالکین شهرک خودرو اراک مقابل شورای شهر**

روز چهارشنبه 26 مهر، تعدادی از مالکین شهرک خودرو اراک برای اعتراض به عدم اجرای کامل انتقال صنوف به این شهرک و ندادن اسناد قانونی واحدها به مالکین مقابل شورای شهر اراک تجمع کردند.



**\*جان باختن یک کارگرمقنی در تهران بر اثر سقوط در چاه بدلیل پاره شدن بند بالابر**

روز چهارشنبه 26 مهر، یک کارگرمقنی 35 ساله تبعه افغانستان حین بالا آمدن از چاه 80 متری یک منزل قدیمی واقع در خیابان انقلاب تهران بر اثر پاره شدن بند بالابر از عمق حدود 50 متری به انتها چاه سقوط کرد و در دم جان خود را از دست داد.

[akhbarkargari2468@gmail.com](mailto:akhbarkargari2468@gmail.com)